

دکتر رضا آیرملو
پروفسور جامعه شناسی - سوئد

خیزش و فروپاشی تاریخی "اتوپیای انقلاب ۱۳۵۷"
(و عواقب روانی-اجتماعی آن)

بهبشت آرمانی اسلام

اسلام می‌آید. می‌آید و به مردم پشت کرده به دین زرتشت و نظام اجتماعی ساسانی - دین و نظام سیاسی پیر و فرتوتی که دستهایش با خون مزدکیان رنگین شده - پیام "برابری و برادری" می‌آورد. این شعارهای "ولو توخالی!"، برای مردمی که در ماتم سرکوب اتوپیای مزدک گرائی و ایدآل‌های سرکوب شده دوره مزدکیان خون می‌گیرند، و راهی جز تحمل درد جانکاه بردگی و بندگی رسمیت یافته نظام اشرافی ایران ساسانی را نمی‌یابند، بیدار باش دوباره ای است.

در اسلام اما، برابری و برادری نه به معنی برابری اقتصادی، و نه به مفهوم هم‌ارزشی اجتماعی است. در واقع اسلام دین نابرابری هاست تا برابری. قرآن پر از آیاتی است که نابرابری اقشار و گروه‌های مختلف انسانی را ناشی از خواست و مصلحت خدا معرفی میکنند.

از این رو حتی در بین مسلمانان، برادری اسلامی به معنی برابری نیست. در واقع، مسلمانان، آهم مردان مسلمان برادری اند که از کوچک کوچک تا بزرگ بزرگ به گروه‌ها، اقشار، طبقات و نژادهای مختلف و نابرابر تقسیم میشوند. بدین ترتیب، برابری اسلامی هیچ نیست جز عنوانی برای مشخص کردن مردمی که همه به دین معینی ایمان دارند، و موظف به بندگی خدای اسلام و اجرای فرامین خدا و نمایندگان و خلفای وی بر روی زمین اند.

در این مفهوم، عدالت اسلامی نیز نه لزوماً رفع بهره‌کشی و ستم به مفهوم امروزی، بلکه به معنی نظم و مناسباتی است که از اجرای فرامین الهی ناشی می‌شود. بدین معنی وقتی احکام قرآن بر الهی بودن نابرابری‌ها تأکید میکنند، پس عدالت در اسلام یعنی نابرابری بین بندگان خدا. عدالت اسلامی، نه فقط با اجرای ۱- نابرابری بین مسلمان و غیر مسلمان یا ۲- بین غیرمسلمانان "صاحب کتاب و بی کتاب"، تحقق می‌یابد، بلکه همچنین نابرابری بین اقشار مختلف مسلمین را به شرح زیر نیز در بر می‌گیرد:

- ۳- نابرابری بین زن و مرد (سوره النساء، آیه‌های ۱۲، ۳، ۱۵ و ۱۶، ۳۲، ۳۴؛ سوره البقره، آیه‌های ۲۲۳، ۲۲۸ و ۲۸۲؛ و سوره‌ها و آیات دیگر) ۲۴
- ۴- نابرابری بین برده و برده دار (سوره النساء، آیه ۳؛ سوره النحل، آیه‌های ۷۱ و ۷۵؛ و سایر)

۲۴ ترجمه آیات قرآن در این کتاب از روی نسخ ترجمه بهالدین خرمشاهی، ترجمه الهی قمشه ای و در مواردی نیز از طریق تطبیق با تفاسیر "المیزان" تألیف سید محمد حسین طباطبائی و "الحسن‌الحديث" تألیف سید علی اکبر قریشی نقل شده‌اند.

- ۵- نابرابری بین فقیر و ثروتمند (سوره النساء، آیه ۳۲؛ سوره طه، آیه ۱۳۱؛ سوره هود، آیه ۱۱۸؛ سوره الاسراء، آیه ۲۱؛ سوره الزخرف، آیه ۳۲؛ سوره النحل، آیه ۷۱؛ سوره الانعام، آیه ۱۶۵؛ و سایر).
- ۶- نابرابری بین نژاد عرب با نژادهای غیر عرب، و قبیله قریش با قبائل دیگر ۲۵.

لازم به توضیح است که با وجود اینکه نابرابری و حتی "بی عدالتی رسمیت یافته و الهی شده" در اسلام، نظام اجتماعی نابرابر طلب اسلامی در مقام مقایسه با نظام عمیقاً نابرابر دوره ساسانی، با مرزبندی‌ها و محدودیت‌های مهار می‌شود. این محدودیت‌های ولو ناقابل، پیام دین جدید اسلام را برای مردم محروم جامعه دوره ساسانی جذاب‌تر و رهائی بخش نشان می‌داد. در نتیجه، تا همین جایش هم، پیام‌ها، شعارها و طرز خطاب فقیران و محرومان در اسلام، در مقام مقایسه با سنت‌های کاستی نظام فرتوت و جبار دوره ساسانی، تا به حدی جذاب می‌نمود که می‌توانست در ذهنیت انسان محروم ایرانی این دوره جا بگیرد و همچون "آرمانشهری" تجلی کند. برای نمونه:

- با آنکه در نظم نابرابر اسلامی نیز مرزی برای بهره‌کشی انسان از انسان، مسلمان از مسلمان و همچنین جمع کردن ثروت و مکننت وجود ندارد، اما آیاتی برای جلب رضای خدا، یاری به فقیران و آزادی بردگان را سفارش می‌کند و در آیه ای هم به داریان سفارش می‌کند که بخورند و بیاشامند اما "سراف نکنند، چرا که خدا اسرافکاران را دوست ندارد" (سوره اعراف، آیه ۳۱).

- با آنکه در اسلام نیز نه چندزنی و نه کنیزداری مردان مسلمان منع شده، ولی در هر صورت، ازدواج به "چهارتا چهارتا زن" غیربرده، همراه با رابطه آزاد جنسی با هر تعدادی کنیز و برده، در برابر نظام برده داری ساسانی نوعی محدودیت به حساب می‌آید (سوره النساء، آیه ۳) ۲۶. این مرزبندی‌ها نیز، اگر چه از زاویه حقوق و مناسبات اجتماعی امروزی جز نابرابری ظالمانه عنوانی نمی‌یابند، ولی در مقام مقایسه با سیستم جنسی-کالائی افسارگسیخته دوره ساسانی و مالکیت صدها و حتا هزارها زن، معشوقه، کنیز، خدمتکار و برده آن دوره، نوعی بهبودی شمرده می‌شد.

۲۵ ر. ک. به سوره های فراوان در مورد نزول قرآن و سایر امتیازات قوم قریش و همچنین برتری مرد عرب بر زن سیاه پوست.

۲۶ .. در این صورت از زنانی که می‌پسندید (یک یا دو) و (یا) سه و (یا) چهار تن را به همسری در آورید، اگر می‌توانید که مبادا عادلانه رفتار نکنید، فقط به یک تن، یا ملک یمینتان (کنیزتان) اکتفا کنید... (سوره النساء، آیه ۳).

اینست که این مرزبندی‌های ولو کوچک در سیستم جنسی اسلام در مقام مقایسه با حرمسراها نامحدود ثروتمندان دوره ساسانی می‌توانستند برای فقیران و مردم بی‌چیزی که زنی برای ازدواج و همسری نمی‌یافتند، نوعی رستخیز معنی دهد. اینان قبلاً" به خاطر تصرف و انحصار زنان از سوی اشراف زمین‌دار و برده‌دار ساسانی از حق آمیزش جنسی محروم بودند، و حتی موقع اجاره زن و همسری از کنیزداران ساسانی، حق صیانت فرزندان آتی خود از این زنان را از دست میدادند. - همچنین اگر چه اسلام نیز مرد را جنس برتر و زن را جنس فروتر می‌داند و به اندازه نظام پدرسالاری مطلق گرای ساسانی، حکومت مرد و شوهر را بر زن به رسمیت می‌شناسد، لکن بر عکس قوانین فئودالی- برده داری عصر ساسانی، اختیارات مرد را ولو در مواردی ناچیز، مشروط میکند. از آن جمله، شوهر (به طور تئوریک هم که شده) "حق تصاحب اموال منقول و غیرمنقول متعلق به زن خود را ندارد" ۲۷. در حرف هم شده، شوهر وظیفه دارد که در بذل توجه به همه زنان خود، مساوات را رعایت کند. این نیز با نظام الیگارشسی داخل خاندان‌ها و خانواده‌های متکی به سیستم الیگارشسی چندزنی مثل "پادشاهزن" و "چاکرزن" به کلی تفاوت داشت و عادلانه مینمود.

در اسلام، اگر زن حق چندانی برای گرفتن طلاق ندارد، اما در تئوری هم که شده، رضایت زن برای ازدواج وی شرط است. اسلام نیز زن را موجودی درجه دوم می‌داند و معتقد است که "مردان باید بر زنان مسلط باشند چرا که خداوند بخشی از انسان‌ها را بر بخشی دیگر برتری بخشیده است و نیز از آن روی که مردان از اموال خویش (برای زنان) خرج می‌کنند" (سوره النساء، آیه ۳۴). در نظام اسلامی برتری مردان و پدران ابعاد گوناگونی دارد و به صورت‌های مختلف، رابطه نابرابر بین جنس‌ها و نسل‌ها را تنظیم می‌کند. از آن جمله‌اند:

۱- ریاست مرد بر زن و خانواده.
۲- برتری پدر و جدپدری بر مادر و جد مادری، و همچنین برتری برادر بر خواهر.

۳- برتری و حق مالکیت طبیعی شوهر نسبت به همسرش.

۴- مالکیت بلاشروط پدر نسبت به جان و مال فرزندان.

می‌دانیم که دامنه این امتیازات مردسالارانه و پدرسالارانه تا آنجا گسترش می‌یابد که در اسلام به شوهران اجازه داده می‌شود تا نه تنها به طور شرعی زن یا زنان نافرمان خود را تنبیه بدنی کرده و کتک بزنند (آیه النساء، سوره ۳۴) ۲۸، بلکه حتی

۲۷. نوابخش، پیشین.

۲۸. "... زنان شایسته آن‌اند که مطیع و به حفظ الهی در نماند خویشندار هستند؛ و زنانی که از

بر اساس دستور قرآن، زن خیانتکار خود را به مرگ محکوم ساخته و اجرای حکم کند: "و از زنان شما کسانی که مرتکب ناشایستی (زنا) شوند، باید بر آنان چهار شاهد از خود (از مردان مسلمان) بگیرید، آنگاه اگر شهادت دادند، آنان را در خانه‌ها محبوس کنید، تا مرگ فراگیریشان، یا خداوند راهی برایشان مقرر کند (اما) کسانی از خودتان را (مردان مسلمان را) که مرتکب آن (همان) (ناشایستی و زنا) شوند برنجانید، آنگاه اگر توبه و درستکاری کردند، از آنان دست بردارید که خداوند (در مورد مردان!) توبه پذیر است." (سوره النساء، آیه ۱۵ و ۱۶).

بر اساس اینگونه حق و حقوق پدرسالارانه و مردسالارانه هم هست که بر اساس "شرع اسلام"، پدر صاحب جان، مال و ناموس فرزندان خود است و حق "صیانت طبیعی" دارد. او می‌تواند طبق "قانون قرون وسطائی قصاص" - که در ایران اسلامی هم اجرا می‌شود -

در مورد قاتلان فرزندان یا متجاوزین به جان و مال و ناموس آنان تصمیم بگیرد. یعنی به نام "ولی دم" قصاص بستاند یا ببخشد، یا خون و جان فرزندان خود را بخرد و بفروشد.

اما با وجود این همه نابرابری شرعی بین زن و مرد، در اینجا مردان در مورد تنبیه زنان نیز از زیاده روی منع می‌شوند و به اجرای عدالت و جلب رضایت خداوند دعوت می‌گردند (سوره النساء، آیه ۳۴). همچنین اسلام مرد را موظف می‌سازد تا به شرط اطاعت و تمکین زنش (یا زانش)، از تأمین معیشت آنان شانه خالی نکند و طفره نرود. و موقع طلاق دادن‌شان نیز، هدایای قبلی خود و مواد مصرفی باقیمانده غیر قابل مصرف را هم از آنان پس نگرفته، لخت و عور و لشان نکند (البته این به معنی آن نیست که در دوره های قبل از اسلام، مردان زنان خود را لخت و عور راه می‌انداختند).

این نیز مهم است که اسلام در کار شناخت خدا و رابطه خالق و مخلوق، این اختیار را به زن می‌دهد که بر خلاف نظر "همسر و صاحب خود"، به خدا ایمان بیاورد و در خفا هم که شده، به نیایش خدا بپردازد. او حتا در شرایطی می‌تواند و می‌باید شوهر کافر خود را ترک کرده، به همسری مردی مسلمان درآید. یک چنین مجوزی می‌توانست در مواردی مغایر ارزشهای پدرشاهی و پدرسالاری رایج در ایران ساسانی باشد - آنجا که مرد و پدر (رئیس خانوار) نماینده خدا در خانه بود و در حوزه خانواه و خانوار خود اجرای اوامر اهورامزدا و پادشاه (یا فرامین مذهبی و

نافرمانی‌شان بیم دارید باید نصیحت‌شان کنید و در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید و آنان را بزنید؛ اگر از شما اطاعت کردند، دیگر به آنان بهانه‌جویی نکنید... (سوره النساء، آیه ۳۴).

۲۹ محمد جعفری، حقوق خانواده در اسلام، انتشاراتی دانش، ۱۳۶۸، تهران.

سنت های پدر شاهی ایرانی-زرتشتی) را به یکجا در ید تسلط خود داشت.

- به همین سیاق، رسم برده‌داری در اسلام کماکان باقی است و پشت کردن بردگان به اربابان و صاحبان خود، گناهی نابخشودنی به حساب می‌آید. رهبران اسلامی از همان آغاز، هم برده خریدند، هم برده فروخته، و هم برده داری کرده و از مواهب بهره‌کشی بدون حد و حدود از بردگان و کنیزان خود بهره برده‌اند. با این وجود، در اینجا بر خلاف سنت‌های رایج برده‌داری دوره ساسانی، به صاحبان برده توصیه می‌شود که:

- بردگان خود را بدون سبب نکشند،

- آنان را "برادر دینی" (برادر دینی، ولی نه برابر اقتصادی یا اجتماعی) خود بدانند

و،

- با آنان به مهربانی رفتار کرده، حتا آنان را "برای بخشیده شدن گناهان یا به عنوان پرداخت کفاره اعمال خلاف خود، آزاد سازند" (سوره نساء، آیه‌های ۳۶، ۹۲؛ سوره النور، آیه ۳۳؛ سوره البلد، آیه‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴؛ سوره المائده، آیه ۸۹).

- در اسلام برابری در ثروت سفارش نشده، بلکه برعکس، قرآن یاد آوری می‌کند که دارائی و نداری از آن خداست و به مصلحتی بستگی دارد که خداوند بر گزیده، و هم از این رو باید مورد احترام قرار بگیرد. اینست که مالکان و برده‌داران، حق تقسیم اموال شخصی خود با بردگان‌شان را ندارند. چنین کار ولو انسانی و عدالتخواهانه نه فقط مقبول خدای اسلام نیست، بلکه طبق آیات قرآن، مغایر مصلحت خداوند و مخالف سیستم تقسیم ثروت منسوب به خدا به حساب آمده، و به همین علت، ممنوع است. در این معنا در قرآن چنین آمده است:

- "... ما زیستمایه شان را در زندگانی دنیا در میان آنان تقسیم می‌کنیم؛ و بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر به مرتبه‌هایی بلند برتر داشتیم تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به خدمت بگیرند..." (سوره الزخرف، آیه ۳۲).

- و خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر در روزی برتری داده است، و برتری یافتگان بازگرداننده روزی شان به ملک یمین‌هایشان (برده‌های تحت مالکیت شان) نیستند، تا در آن برابر شوند (یعنی مسلمانان برده دار حق ندارند ثروت و دارائی شان را با بردگان‌شان قسمت کرده و آنان را با خود برابر سازند، چرا که این خداوند است که برده‌ها را برده، و ثروتمندان را ثروتمند کرده است!) پس آیا (ای کسانی که چنین کاری می‌کنید) به نعمت خداوند انکار می‌ورزید؟ (سوره النحل، آیه

۷۱). (چرا که بر اساس نظر قرآن) "زمین از آن خداوند است، به هر کس از بندگان که بخواهد به میراث می دهد (و به هر کس هم نخواهد، نمی دهد!)... (سوره اعراف، آیه ۱۲۸).

اما با وجود این همه احکام نامیدکننده در مورد الهی نشان دادن فقر فقیران و ثروت ثروتمندان از سوی قرآن و اسلام، در این مورد هم از طریق مثال های تاریخی، زمین به عنوان ارثیه مستضعفان (فقیران؟) قلمداد گردیده و در داستان های مربوط به پیامبران گذشته و قوم یهود،

- که اکثراً" با استناد به کتاب های دینی یهودیان (عهدقدیم) نقل شده اند-

اشارات مکرری وجود دارد که می توانند به عنوان ستایش از "مستضعفان یهودی" معتقد به خداوند و قول پیروزی قریب آنان تعبیر شوند (ر. ک. به سوره اعراف، آیه های ۷۵، ۸۸، ۱۳۷؛ سوره القصص، آیه ۵ و سایر). در ضمن، برای هر "مسلمان آزاد یا غیربرده" این امکان هم وجود دارد که با شرکت در جنگ های اسلامی، سرنوشت فقر و نداری خود را تغییر دهد. آنان از طریق شرکت در جهاد علیه کفار:

- یا زنده می ماندند و طبق سنت های قبیله ای آن زمان (چه در دوره اسلامی یا قبل از آن در دوره جاهلیت) از غنائمی شامل اموال، زنان و کودکان اسیر، سهم می بردند (سوره انفال، آیه ۴۱؛ سوره النساء، آیه ۲۴)

- یا جان می باختند و به زندگی مرفه در باغ بهشت نایل می گشتند (سوره آل عمران، آیه ۱۵۷، ۱۵۸ و سایر).

در ضمن، در اسلام بهشتی به مؤمنین مژده داده می شود که بسیار واقعی می نماید. بهشت "بوستانی است بزرگ که جویباران از فرودست آن جاری است" (سوره النساء، آیه های ۱۳ و ۱۲۲؛ سوره مائده، آیه های ۱۲ و ۶۵، ۸۵، ۱۱۹؛ سوره اعراف، آیه ۴۳؛ سوره توبه، آیه ۷۲؛ سوره آل عمران، آیه های ۱۳۶، ۱۶۹، ۱۹۵، ۱۹۸ و سایر) و سایه ساری سایه گستر دارد (سوره النساء، آیه ۵۷). بهشت در این معنا، آنگونه است که آرزوها در آرزوی ذهنی مردم مناطق گرمسیری و اغلب خشک عربستان و ایران می گنجید.

بهشت جایی است که همه نعماتی که فقیران از آن محروم بودند و صرفاً در انحصار برده داران و ثروت اندوزان آنروزگاران بود، در آن جمع است، و بدون هرگونه محدودیتی برای بهره مندی محرومان و مردان مسلمان مؤمن عرضه می شود:

- "پرهیزکاران در بوستان ها و ناز و نعمت اند و به خاطر کارهایی که کرده اند، به گوارائی می خورند و می آشامند" (نقل مفهوم از سوره طور، آیه های ۱۷ و ۱۸).

- "... در آن جویهایی از آب ناگندا، و جویهایی از شیری که مزه‌اش تغییر ناپذیر است، و جویهایی از شراب لذت‌بخش آشامندگان، و جویهایی از عسل پالوده روان است، و برایشان در آنجا همه گونه میوه هست" (سوره محمد، آیه ۱۵)

- "در آنجا (در بهشت‌ترین)، سخن بیهوده‌ای نشنوند.
در آنجا چشمه‌ای روان باشد.
در آنجا تخت‌هایی است بالابلند.
و کوزه‌هایی پیش‌نهاد.
و بالش‌هایی ردیف‌شده.
و فرش‌های زرباف گسترده" (سوره غاشیه، آیات ۱۶-۱۰)

می‌بینیم که باغ بهشت فقط به روح و جان اختصاص ندارد، بلکه ارضاء خواست‌ها، ساقه‌ها، نیازها و شهوات جسم و تن "بندگان مطیع الهی" را هم به عهده دارد و اسباب آنرا هم فراهم آورده است.

- انسان‌ها "جاودانه در بهشتند و جفت‌های پاکیزه دارند" (سوره آل عمران، آیه ۱۵، سوره النساء، آیه ۵۷).

- "پرهیزکاران در بوستان‌ها و ناز و نعمت اند (و) از آنچه پروردگارشان به آنان ارزانی داشته است، خرمند. ...
آنان بر تخت‌های ردیف‌شده تکیه زده‌اند و آنان را جفت حوریان درشت چشم گردانیم.

و ایشان را پی در پی از میوه‌ها و گوشت (پرندگانی) که خوش دارند می‌دهیم.
در آنجا جامی را که نه مایه ی بیهوده گوئی و نه گناه است، از دست هم می‌گیرند. و بر گرداگرد آنان (آن مردان) پسر بچه‌های جوانی (غلمان هائی) می‌گردند که گوئی مروارید نهفته‌اند." (سوره طور، آیه‌های ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ۲۴)

- "ساختمان بهشت، خشتی از نقره و خشتی از طلاست و گل آن مشک اذفر است و سنگریزه آن لؤلؤ و یاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته مغتتم است. .." (نهج‌الفصاحه، نقل از حدیث ۱۳۲۷) ۳۰.

- اگر زنی از زنان بهشت بر زمین نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید را ماه ببرد (نهج‌الفصاحه، پیشین، حدیث ۲۳۰۲).

۳۰ نهج‌الفصاحه، تنظیم و گردآوری مرتضی فرید تنکابنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، تهران.

می بینیم که از این زاویه، بهشت بیشتر به باغ های اربابان ساسانی و گردشگاه های زمین‌داران و برده‌داران زمان خود شبیه است تا مکان‌های مقدّس و مسکن اولیای دین یا حتا خانه یا باغ خدائی که به تعبیر قصه های دیرینه و همچنین کتاب‌های مقدس تورات و انجیل و قرآن، آدم و حوا تا روزی که مرتکب گناه خوردن میوه یا دانه مورد نظر نشده بودند، مسکن داشتند و سعادت‌مندانه می‌زیستند.

در بهشت اسلامی همه اسباب عیش و نوش های این جهانی، آنهم در مفهوم رایج زمان خود، به تمامی جمعند. حوریان زیبایی که به تعبیر قرآن پستان هایشان تازه برآمده، و پسرچه های ناهمتائی که به تعبیر قرآن همانند مروارید نهفته اند، به حد کافی! در اختیارند تا هوس سیری‌ناپذیر انسان محروم آن زمان را پاسخ داده و تشنگی تاریخی او را جبران کنند. اگر در این جهان فقط به برده داران مسلمان حقّ تمتع جنسی بی حد و مرز از بردگان شان داده شده، در "باغ اتوپیائی بهشت" این امکان تمتع جنسی بدون کم و کاست و محدودیت، ارزانی همه مسلمانان بهشتی، و حتا مسلمانان محرومی می‌شود

- که حسرت ناکامیابی عمر زمینی خود را با خود به بهشت آورده‌اند، یا میخواهند از تجاوزات شرعی بی که در این جهان به آنان روا شده، انتقام گرفته، و آن همه را با تجاوزات بی حد و حصر مجاز و شرعی خود به دختران و پسران خردسالی که پستانهای شان تازه برآمده و همچون مروارید پنهان اند، جبران کنند.

بهشت، از این زاویه، چنان زمینی و به قدری به آرزوهای انسان محروم دوره ساسانی نزدیک است که به آسانی می‌تواند در ذهنیت مردم محرومی،

- که همیشه از پاداش گرفتن و تمتع بردن محروم بوده‌اند-

جا بگیرد و به "اتوپیای ایده‌آلی و آرمانشهری" تبدیل گردد که به فدا کردن جسم و جان این جهانی هم می‌ارزد.

در هر صورت، به خاطر این ویژگی‌های ظاهری "اسلام عربی" نسبت به "نظام ساسانی- زرتشتی ایرانی"، نظام اسلامی با آرزوها و ایده‌های مردم ایران در هم می‌آمیزد، و در ذهنیت انسان محروم این جامعه، به آسانی به جامعه ایده‌آلی و فاضله تبدیل می‌شود. از آن پس، "اسلام ایده‌آلی شده" به صورت اتوپیای ذهنی توده های دردمند و آرمان رهائی از ظلم حکام و اربابان برده دار و زمیندار - حتی حکام اسلامی بی که با استفاده از اسلام رسمی شریعت خواه خود، ظلم و ستم خود را توجیه کرده و الهی قلمداد میکنند-

در می‌آید. و علیه ظلم و جور و بی‌عدالتی حکومت‌ها - حتا حکومت‌های اسلامی و عربی- نشانه می‌رود. بعدها این باور اسلامی با تفسیرها و تعبیرهای گوناگون ولی

آرمانی و رستاخیزی خود، با جنبش‌های استقلال طلبانه مردم ایران نیز پیوند می‌خورد. و بدین وسیله، به جنبش‌های رهائی‌بخش این مرز و بوم جانی تازه داده و به مبارزات رهائی‌بخش توده‌های تحت ستم ما حیات ذهنی و معنوی تازه‌ای می‌بخشد. و حتی در معماری اتوپیایها و مدینه‌های فاضله غیر اسلامی بعدی نقش ایفا می‌کند.

با این وجود، هر بار که اسلام "ایده‌آلی و اتوپیائی" به صورت نظام سیاسی در ایران تحقق یافته و حاکم شده

-مطابق معمول همه وقت و همه جایی که دین به حکومت رسیده-

ایده‌آل‌های "اسلام اتوپیائی" که در دوره جنبش و مبارزه مردم مسلمان تحت ستم نقش یاری‌دهنده ایفا می‌کرده، به آسانی به وسیله نمایندگان "اسلام شریعتخواه" به کنترل در آمدند، و به عنوان ابزار تخدیر کننده افکار عمومی در خدمت بهره‌کشی از مردم قرار گرفته، برای استحمار فکری و به تسلیم و تبعیت واداشتن مردم و توده‌های مسلمان استفاده شدند. در سرتاسر تاریخ تسلط اسلامی، همیشه و همه جا که ایده‌آل‌های "اسلام اتوپیائی" به کوشش و جانپازی مردم محرومی که به معجزه اسلام سیاسی دل بسته بودند، رو آمدند و دست بالا را گرفتند، رهبران اسلامی مدعی برابری و برادری دیروزی جباریت‌های دینی و مذهبی خود را بر پایه‌های دینداری آرمانی و اتوپیائی مردم بنا کردند، و همانند همه تجربیات تاریخی دینسالاری سیاسی در ایران و جهان، هر صدای برابری طلبی را در حلقوم مردم خفه کردند.

این وضع ناشی از آن است که هر باری دینی به حکومت می‌رسد، به خاطر نداشتن ظرفیت لازم برای درک نیازهای زمانه، در برابر واقعیت‌ها و نیازهای روز می‌ایستد، و به خاطر سنت‌گرایی، بنیادگرایی و گذشته‌گرایی ذاتی خود، به ایده‌ها و ایده‌آلهای اتوپیائی مورد ادعای خود پشت می‌کند. از اینجاست که با استقرار حکومت‌های اسلامی، به طور معمول، سرکوبگری دینی هم رسم می‌شود، ولی با برپائی جباریت‌های دینی و مذهبی نیز طولی نمی‌کشد که مردم ناامید شده - علیه اسلامی که جان به راهش داده بودند-

بلند شده، برای نایل شدن به ایده‌آل‌های جدید رهائی (چه دینی یا غیردینی) و علیه جبر حاکم دینی و اسلامی از سپردن سر به دار نیز ابا نمی‌کنند. بدین ترتیب، با رسوا شدن اسلامیانی که نابرابری و بیعدالتی خود را "برادری و عدالت اسلامی" می‌خوانند، به زودی دوره‌ای دیگر از مبارزات اجتماعی و سیاسی از سر گرفته می‌شود.

